

## سخنرانی به یاد ماندنی نماینده ایران در کنفرانس بین‌المللی «از همکاری‌های ادیان و تمدن‌ها به همکاری بشری»



در فرهنگ اسلامی، رفتارهای انسان از باورهای او سرچشمه می‌گیرد. به همین دلیل دین اسلام ابتدا باور انسان‌ها را به خداوند و آخرت؛ با ارجاع به فطرت خداجویی تقویت می‌کند و سپس آنها را به سوی اعمال صالح هدایت می‌کند. یکی از اعمال صالح؛ صلح است. صلح هم از طریق فعل و هم ترک فعل می‌تواند محقق شود.

به گزارش آرآن نیوز: کنفرانس بین‌المللی همکاری بین مذهبی و تمدنی تا همبستگی انسانی به میزبانی مرکز بین‌المللی همکاری‌های ادیان و تمدن‌های جمهوری آذربایجان و اتریش در هوف بورگ وین و با شرکت تعدادی از اندیشمندان و رهبران دینی مسلمانان، مسیحیان و یهودیان برگزار شد. از جمهوری اسلامی ایران، دکتر ابوذرا ابراهیمی ترکمان رییس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در این کنفرانس بین‌المللی حضور داشت. هدف از این نشست تسهیل گفت‌وگو بین ادیان و ایجاد همبستگی بین پیروان مذاهب مختلف بخصوص در مناطق بحران خیز در جهان و همچنین کاهش اسلام‌هراسی اعلام شد.

در این کنفرانس یک روزه شخصیت‌هایی چون شیخ الاسلام الله شکور پاشازاده رییس هیات مسلمانان قفقاز؛ میگل انهل امانویل نماینده عالی سازمان ملل متحد؛ خالد عکاشه دبیر کمیسیون روابط مذهبی واتیکان و ایزاک دایان رهبر خاخام‌های ژنو و سوییس و دیگر شخصیت‌های مذهبی و دینی از پنج قاره جهان شرکت داشتند. دکتر ابوذرا ابراهیمی ترکمان، رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در کنفرانس بین‌المللی «همکاری‌های مذهبی و تمدنی تا همبستگی انسانی» که در وین امروز چهارشنبه آغاز شد، گفت که وظیفه عالمان و کسانی که سخنانشان در دیگران نافذ است این است که به زدودن جهالت از پندار و کردار جوامع بیاندهند و راه‌های عملی برای برون رفت از چنین وضعیتی را تبیین کنند.

متن کامل دکتر ابوذرا ابراهیمی ترکمان را تقدیم می‌کنیم:

ابتدا مایلم از ریاست محترم مرکز بین‌المللی همکاری‌های ادیان و تمدن‌های آذربایجان، وزارت امور خارجه آذربایجان و اتریش و نیز جناب آقای الله شکور پاشازاده رییس محترم اداره مسلمانان قفقاز تشکر قلبی خود را به دلیل برپایی چنین نشستی ابراز نمایم

حاضر محترم

در متون دینی؛ جهل در برابر عقل به کار رفته است و نه در برابر علم و هر کس که از خرد خویش بهره نبرد، جاهل شمرده می‌شود حتی اگر از نظر علمی در سطح بالایی باشد. در باور اسلامی، عقل عهده دار نشان دادن راه صحیح از ناصحیح است از همین رو می‌توان گفت: «خداوند عقل را در وجود بشر برای نجات از گمراهی قرار داده است» توجه به عقلانیت و بهره گرفتن از عقل خدادادی، انسان را از جهالت دور می‌کند. جهالتی که امروز در جهان مشاهده می‌شود نوعی جهالت مدرن است که با علم نیز سازگاری یافته است. مقدس‌سازی رفتارهای خشونت‌آمیز به وسیله برداشت‌ها و تفسیرهای غلط از نصوص دینی، سبب گردیده است که جهالت مدرن پدید آید. فطرت بشر با خشونت سازگاری ندارد و در هر زمانی که خشونت را مرتکب شود عذاب روحی و عذاب وجدان او را احاطه می‌کند، جاهلان مدرن برای رهایی از چنین عذابی، می‌کوشند رفتار خود را بر آمده از یک باور دینی تلقی کنند تا از چنین عذاب‌هایی رهایی یابند. و نتیجه چنین رفتاری؛ چهره‌سازی مشوه از دین است. گاندی معتقد بود خشونت علیه یک فرد خشونت علیه خداوند است.

امام محمد غزالی (450-505 ه.ق) معتقد است: وجود ناقص هر چیزی از عدم محض، بهتر است، جز علم و دانش؛ یعنی انسان کم‌سواد از انسان بی‌سواد بدتر است بر همین پایه می‌توان گفت بد فهمی دینی از بی‌دینی بدتر و مضرتر است. زیرا چنین فردی در معرض جهل مرکب قرار دارد. رشد علمی بشر در سال‌های اخیر به صورت فزاینده و با سرعت پیش‌رفته است اما در کنار این پیشرفت‌ها، اخلاق و صلح در جهان به قهقرا کشانده شده است.

مهمترین ویژگی عقل، شناخت حقایق و تشخیص حق از باطل است و فقدان آن در روایات اسلامی به فقر تعبیر شده است. یکی از مظاهر جهالت مدرن، خود مطلق‌انگاری و گاه خود خدا پنداری است. انسان خود مطلق‌انگار خود را جای خدا می‌نشاند و قضاوت‌های قطعی خود را مقدس شمرده و انجام آنها را فریضه می‌پندارد. انگاره‌های خود مطلق‌انگاری، جایی برای نیاز و احترام به اندیشه دیگران باقی نمی‌گذارد و در چنین وضعیتی صلح از دایره انگاره‌های فرد خود مطلق‌پندار بیرون می‌رود. زیرا پیش‌فرض صلح، پذیرش احترام به اندیشه دیگران و خروج از مطلق‌انگاری است. به همین دلیل با آنکه رشد علمی وجود داشته است اما به دلیل خود مطلق‌انگاری‌ها، رشد عقلی تحقق نیافته است و همین سبب پیدایش جهالت مدرن است که آثار آن دوری از معنویت و اخلاق است. همچنین در جهالت مدرن اصل لذت بر سایر شئون انسانی چیره می‌شود. متأسفانه جاهلیت مدرن به سلاح علم و دانش مجهز گشته و سرعت آثار تخریبی‌اش بیش از دوران جاهلیت بدوی است. در دوران جهالت بدوی، آثار تخریبی جهالت از خود فرد و اطرافیان و نیز تا حدودی از منطقه‌اش فراتر نمی‌رفت اما جهالت مدرن امروز فراگیر شده و جهان را در کام خود فرو برده است.

در فرهنگ اسلامی، رفتارهای انسان از باورهای او سرچشمه می‌گیرد. به همین دلیل دین اسلام ابتدا باور انسان‌ها را به خداوند و آخرت؛ با ارجاع به فطرت خداجویی تقویت می‌کند و سپس آنها را به سوی اعمال صالح هدایت می‌کند. یکی از اعمال صالح؛ صلح است. صلح هم از طریق فعل و هم ترک فعل می‌تواند محقق شود.

فرمان دین به صلح متأثر از فرمان عقل به صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز است. پیامبران اساساً برای اینکه خرد پنهان مانده انسانها را برانگیزند نازل شده‌اند. عقل آلوده نشده به جهالت و شهوات یعنی عقل پاک هیچگاه صلح را به مثابه شر تلقی نمی‌کند و آنرا خیر می‌انگارد. در قرآن کریم در بیش از یکصد آیه به طور مستقیم یا غیر مستقیم به صلح اشاره شده است. در یکی از آیات آمده است که صلح خیر است اساساً در فرهنگ اسلامی اصلت با صلح است. همچنین قرآن کریم مؤمنان را به صلح و آشتی دعوت نموده و می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همگی در صلح و آشتی درآید و از گام‌های شیطان، پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست».

بنابراین جهالت مدرن در عصر کنونی مهمترین عامل دوری انسان از صلح و مدارا و همکاری است. از همین رو وظیفه عالمان و کسانی که سخنانشان در دیگران نافذ است این است که به زدودن جهالت از پندار و کردار جوامع بیاندهند و راه‌های عملی برای برون رفت از چنین وضعیتی را تبیین کنند. تداوم چنین وضعیتی آثار بسیار زیانباری را در پی خواهد داشت. آیا هیچیک از دانشمندان کنونی سی سال پیش می‌توانستند وضعیت کنونی جهان را که غرق در خود مطلق‌انگاری است پیش‌بینی کنند و آثار زیانبار کنونی را حدس بزنند، جهان‌ناپاورانه در چنین وضعیتی گرفتار شده است.

توجه به مظاهر چشم‌نواز دنیوی، انسان را از اندیشیدن به خویشتن خود بازداشته است. درست مانند کسی که درد دارد اما با منحرف کردن توجه خود از درد خویش به یک موضوع دیگر، تا مدتی درد را فراموش می‌کند. توجه وافر بشر کنونی به لذایذ دنیوی، غفلت او از خویشتن و وعدم توجه به احکام خرد را به دنبال آورده است. خرد حکم به زیبایی

و زشتی افعال می کند ولی با نادیده گرفتن آن از سوی بشر، رسانا بودن خود را از دست می دهد و پس از مدتی صدای خرد به گوش نمی رسد دقیقا مانند صدای آب دریا، که پس از مدتی به گوش ساکنین حریم دریاها و رودخانه ها نمی رسد زیرا رسانایی این صدا از بین می رود.

اکنون و در عصر ما همه به نیکی صلح ومدارا واتحاد بشري، حکم می کنند و خرد نیز آن را زیبا می پندارد اما توجه به مظاهر چشم نواز دنیوی صدای خرد را نارسا کرده و در یک غفلت عمومی، این صدا به گوش نمی رسد. انسان به دنبال آرامش است و می داند که با روی آوری به معنویت به این آرامش دست می یابد. اما به جای آنکه به آرامش های معنوی بیاندیشد، فریفته آرامش های ناپایدار دنیوی شده است و اندیشه ناصحیح دوام بقا در دنیا نیز بر سرعت چنین فروغلطیدنی در غفلت، موثر بوده است.

در منطق قرآن کریم نیز غفلت از باطن دین به عنوان علت عدم پایبندی به دین و در نتیجه عدم ارتکاب اعمال صالح ذکر شده است یکی از مفسرین بزرگ، مهمترین علت انحطاط مسلمانان را اکتفاء و توقف در جسد احکام دینی و روی گرداندن از روح و باطن دین می داند و معتقد است که احکام فقهی را از اصول اخلاقی نباید جدا کرد. زیرا جمود بر ظاهر احکام و غفلت از باطن دین، منجر به میراندن مصالح تشریح احکام و غرض اصلی از دین و سعادت حیات انسانی می شود. بر اساس نظر فوق، غفلت از روح دین و توقف در ظواهر دینی که تاب تفسیرهای مختلف را دارد، اصلی ترین علت انحطاط مسلمانان است. اگر اخلاق و معنویت را، باطن دین بدانیم؛ در عصر کنونی مظاهر مادی از تمرکز انسان به معنا و باطن عالم و نیز حقیقت هستی کاسته است. زیرا اساس معنویت بر تمرکز استوار است. انسان فاقد تمرکز که اندیشه اش در ظاهر اشیا متوقف می شود؛ نمی تواند از ظاهر عبور کرده به باطن راه یابد. انسان ظاهرین همه چیز را در محیط دید جسمانی خود می پذیرد اما انسان معناگرا به شهود که کار دل است روی می آورد. عصر کنونی عصری است که دیده های ظاهر بین بشر را تقویت کرده و چشم نوازی های دنیوی؛ او را متوجه خود کرده است اما نه خود واقعی او که وابسته به منبع هستی است؛ بلکه خودی که در پندار برای خود ساخته است. این خود مجازی؛ گاه تا آنجا انسان را از خود واقعی اش دور می کند که با مغز دیگران فکر می کند و با پای دیگران راه می رود. انسان برای درست زیستن به خرد نیازمند است اما برای آرام زیستن نیاز به توجه به معنویت دارد. بازگشت توأم به خرد و معنویت می تواند غبار غفلت را از جان آدمی ببرد و اندیشه محبت به دیگران را در وجود او به اندیشه برتر مبدل کند و صلح و همزیستی مسالمت آمیز را به دنبال بیاورد. انسان به دست خود، خود را در رنج بی شمار فرو می غلطاند و با خود دشمنی می کند. و کسی که با خود دشمن باشد نمی تواند با دیگران در صلح باشد. پس باید ابتدا انسان را با خودش آشتی داد و سپس انتظار صلح از او داشت و آشتی انسان با خود تنها با بازگشت به خرد و معنویت میسر است. همگرایی واتحاد بشري در گرو بازگشت به خردورزی و عقلانیت است. امیدوارم این اجلاس بتواند راهکارهایی را به بشریت هدیه کند.